

به بهانه یادداشت اخیر «ریچارد نفیو» در «فاران افروز» بررسی شد

نگاه دموکرات‌های آمریکا

به جنگ، زیر ذره بین «ایران»

گزارش

علیرضا حجتی

دبیر گروه بین الملل

«کمک در راه است!» شاید قصه اشتباه‌ترین جنگ تاریخ ایالات متحده آمریکا از این جمله دونالد ترامپ آغاز شد. موضع مداخله‌جویانه بعد از اتفاقات دی ماه ایران برای کسی که او و ارکان دولتش و طیفی که رئیس جمهوری نمایندگی آن را بر عهده دارد سیاست دیرینه «رژیم چنج» را نفی کرده و بارها مدعی شده‌اند راهبردی دولت‌سازی در خاورمیانه اشتباهی خانمان سوز بوده است. دولت ترامپ با سابقه بی‌اعتنایی به حقوق بشر و قطع بودجه آژانس دولتی برای کمک به کشورهای خارجی و با چنین پس‌زمینه‌ای مدعی شد برای کمک به آنچه معترضان ایرانی خواند به میدان خواهد آمد.

جنگ رمضان به هر بهانه‌ای که آغاز شد چهره واقعی آمریکا در گزاره‌ای که جریانی ضد میهنی تحت عنوان مداخله بشردوستانه و پروژه نجات تئوریزه کردند آشکار کرد. برای افسانه‌زده‌ای از این کلیشه شاید فقط چند ساعت لازم بود و بمباران اهداف غیرنظامی و بویژه مدرسه «شجره طیبه» در میناب، جنگ را در هیبت واقعی اش برای جامعه ایرانی به نمایش گذاشت. در نهایت کمکی به مردم ایران جای خود را به تهدید موج تمدن ایران داد.

واقعیت ژئوپلیتیک

۴۰ روز جنگ میهنی، کمک زیادی به تثبیت این معنی کرد که اساساً تجاوز محور آمریکا-اسرائیل را باید از چه دریچه‌ای مورد ارزیابی و کنکاش قرار داد. عملیات «خشم حماسی» در بستر ژئوپلیتیک و نه رویاپردازی‌های موهوم قابل تفسیر است. همان چیزی که سالها و حتی دهه‌ها ذیل پروژه «مه‌مار ایران» در دستور کار سیاست خارجی واشنگتن تعریف شده است. این موضوع همچنین ارتباط مستقیم با نظم منطقه‌ای و تحمل آن بر غرب آسیا داشته و دارد. این محاسبه یعنی مه‌مار، تصنیف و جلوگیری از قدرتی بی‌پوش و بی‌عنوانی چون کمک به دموکراسی یا جلوگیری از سلاح هسته‌ای روی میز همه رؤسای جمهوری خارجی اعم از دموکرات و جمهوریخواه قرار داشته است. در نهایت طبق آنچه رسانه‌های آمریکایی طی یکماه گذشته نوشتنند ۷ رئیس جمهوری

پیش از ترامپ به این ارزیابی رسیدند که هزینه اقدام نظامی علیه تهران از منافع بیشتر بوده و دونالد ترامپ دارد این تازه یاد می‌گیرد. البته اگر یاد بگیرد! جنگ ترامپ، نتانهاهو از اول بر پایه مفروضات نادرست و متناقض شروع شد، با اشتباه پیش رفت و ادامه پیدا کرد و در نهایت به آشفتگی کامل رسید. ماجراجویی شکست خورده‌ای که تبعات آن اقتصاد جهان را تحت تکانه‌های شدید قرار داده و نه تنها اهداف چند گانه اولیه زوج ترامپ-بی بی را محقق نکرده بلکه حالا برای واشنگتن چالش تنگه هرمز هم بر آنها افزوده شده است.

مهم‌تر از اینها، جنگ انتخاباتی ترامپ از هیچ حمایت مردمی حتی پیش از ۲۸ فوریه برخوردار نبود و حالا با آشکار شدن پیامدهای آن جنگ در افزایش قیمت بنزین و کالاهای در آمریکا شکاف‌ها را در خطوط حزبی عمیق‌تر کرده است. یکی از موضوعاتی که روزهای آغاز جنگ رمضان برای ناظران جالب توجه بود، موضع دموکرات‌ها و طیف‌های مختلف این حزب است. از زمان خروج دولت اول ترامپ از توافق برجام تا دو جنگ مستقیم ۱۲ و ۴۰ روزه، شکاف‌های درون حزب دموکرات آمریکا درباره ایران آشکارتر از هر زمان دیگری شده است. در نگاه بیرونی، شاید تصور شود که دموکرات‌ها یک موضع واحد درباره ایران دارند: حمایت از مذاکره، مخالفت با جنگ و دفاع از

دیپلماسی. اما در حقیقت، واقعیت پیچیده‌تر به نظر می‌رسد. در درون حزب دموکرات دست‌کم سه جریان اصلی درباره ایران وجود دارد که هرکدام نگاه متفاوتی به جنگ، تحریم، مذاکره و حتی آینده نظام سیاسی ایران دارند.

نفیو چه می‌گوید؟

جنگ چهل روزه اخیر این شکاف‌های حزبی را عیان‌تر کرده است. بخش مهمی از نخبگان دموکرات نه از منظر «حمایت از مردم ایران»، بلکه از زاویه ژئوپلیتیک، موازنه قدرت منطقه‌ای و امنیت اسرائیل به مسأله نگاه می‌کنند. به همین دلیل است که حتی بسیاری از دموکرات‌هایی که با جنگ مسترده مخالف‌اند، همچنان از حفظ فشار اقتصادی و مهار منطقه‌ای ایران دفاع می‌کنند. در چنین شرایطی است که یادداشت جدید ریچارد نفیو از اعضای دولت اوپاما و بایدن در «فاران افروز» اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. نفیو که از معماران اصلی سیاست تحریم علیه ایران در دولت اوپاما بود، در توصیه نامه خود به دونالد ترامپ به دولت گوشده می‌کند از توافق جامع با ایران خودداری کند و فقط روی توافق بازگشایی تنگه هرمز تمرکز کند. نفیو صراحتاً به ترامپ توصیه می‌کند اجازه دهد ایران به مرحله فروپاشی از درون برسد. او تحریم را صرفاً ابزار فشار اقتصادی نمی‌داند؛ بلکه آن را مکانیزمی برای فرسایش تدریجی ظرفیت حکمرانی، افزایش هزینه‌های داخلی و ایجاد شکاف در ساختار قدرت تعریف می‌کند. نگاه او در واقع بازتاب ذهنیت بخشی از جریان امنیت‌محور دموکرات‌هاست یعنی مه‌مار ایران از طریق فرسایش بلندمدت، نه الزاماً جنگ تمام‌عیار یا بحث تغییر نظم.

به این بهانه شاید بررسی نگرش طیف‌های چنگدانه حزب دموکرات در قبال جنگ علیه ایران قابل تأمل به نظر برسد. حزب دموکرات در مخالفت با جنگ ترامپ علیه ایران یکپارچه به نظر می‌رسد به این دلیل که عملیات «خشم حماسی» اقتصاد آمریکا را تحت تأثیر قرار داده و جایگاه جهانی ایالات متحده را تنزل بخشیده و بی‌اعتبار کرده است. در محور دوم، جنایت‌های حقوق بشری آمریکا در جنگ و به شهادت رساندن غیرنظامیان ایرانی است. انتقادات مورد دوم منحصراً به جناح ترقی‌خواه و متمایل به چپ حزب دموکرات برمی‌گردد.

نگرش محافظه کارها

طیف اول جناح نسبتاً محافظه‌کار حزب دموکرات است، در این حزب جناح راست وجود ندارد هر چند که جان فترمن سناتور ایالت پنسیلوانیا یک استنبا محسوب می‌شود و مواضع او نزدیک به است. او تنها دموکراتی است که به قطعنامه محدود کردن اختیارات دولت ترامپ می‌کند و می‌گوید: «اینکه دولت ترامپ برای افزایش بودجه دفاع پیوسته از حمله به ایران دفاع کرده است.

با وجود این در سطحی پایین‌تر از سناتور فترمن، دسته‌ای از دموکرات‌ها نظیر ریچارد نفیو، دنیس راس و هیلاری کلینتون مطرح هستند؛ طیفی که نگرش آنها در «انستیتو واشنگتن برای خاور نزدیک» می‌شود رهگیری کرد. افروز، دنیس راس، مشاور پیشین خاورمیانه در دولت‌های مختلف آمریکا در انستیتو واشنگتن استدلال می‌کند که هدف واقع‌بینانه در جنگ با ایران باید تضعیف جدی ساختار حکمرانی ایران باشد. به گفته او، دولت ترامپ هدف روشنی برای این جنگ تعریف نکرده و میان اهداف مختلف در آن نابودی تهدید ایران تا بازپس‌گیری کشور توسط مردم ایران - در نوسان بوده است. او دو مسیر پیشنهاد می‌کند: اول، ادامه حملات دقیق به زیرساخت‌های نظامی و تأسیسات نظامی ایران و دوم، ترور رهبران

سیاسی. به زعم او، این اقدامات سرکوبگری می‌تواند شرایطی ایجاد کند که در آن ایران به تدریج از درون فرسوده شده و سقوط آن تسریع شود. این جریان حزب دموکرات طیف محافظه‌کار هستند که اصطلاحاً باژها (Hawks) نامیده می‌شوند.

سنی‌هایی که باز نیستند

این بخش از دموکرات‌ها معتقدند ایران باید «مه‌مار» شود. از نگاه آنها، خطر اصلی تبدیل شدن ایران به یک قدرت منطقه‌ای تثبیت‌شده با ظرفیت هسته‌ای و ایجاد شکاف منطقه‌ای است. به همین دلیل، مذاکره تنها زمانی ارزش دارد که به محدودسازی قدرت ایران منجر شود.

این طیف شامل چهره‌هایی مانند چاک شومر رئیس اقلیت حزب دموکرات در سنا، جین شاهین، مارک وارنر، جک رید و بسیاری از سناتورهای اقلیت‌های امنیتی و اطلاعاتی است. این جریان در رسانه‌های جریان اصلی، اندیشکده‌های امنیتی و ساختار تصمیم‌گیری واشنگتن نفوذ بسیار بالایی دارد. در سطحی دیگر دموکرات‌های سنتی همچون جو بایدن و جان کری در این طیف قابل‌تعریف هستند.

این طیف در جنگ رمضان نیز موضع نسبتاً مشابهی داشته است: حمایت از باززدگی در برابر ایران، مخالفت با جنگ زمینی همزمان تلاش برای جلوگیری از تبدیل درگیری به جنگ منطقه‌ای تمام‌عیار.

این طیف از دموکرات‌های سنا چندی قبل ادعای دونالد ترامپ مبنی بر پایان جنگ با ایران را به معنای واقعی کلمه مزخرف خواندند. چاک شومر، رهبر اقلیت دموکرات در سنا گفت این یک جنگ غیرقانونی است و هر روزی که جمهوریخواهان در آن همدست باقی می‌مانند و اجازه می‌دهند ادامه یابد، روز دیگری است که جان انسان‌ها به خطر می‌افتد، هرج و مرج قنوران می‌کند و قیمت‌ها افزایش می‌یابد، در حالی که آمریکایی‌ها هزینه‌ها را پرداخت می‌کنند.

جین شاهین، عضو ارشد کمیته نیروهای مسلح سنا، با این موضوع موافقت کرد. شاهین نوشت: «اینکه رئیس‌جمهوری ترامپ جنگ با ایران را «پایان یافته» اعلام می‌کند، این واقعیت را منعکس نمی‌کند که ده‌ها هزار نفر از اعضای ارتش آمریکا در منطقه هنوز در معرض خطر هستند؛ اینکه دولت دائماً تهدید به تشدید خصومت‌ها می‌کند یا اینکه تنگه هرمز همچنان بسته است و قیمت‌ها در داخل کشور سر به فلک کشیده است. رئیس‌جمهوری ترامپ بدون استراتژی و بدون مجوز قانونی وارد این جنگ شد.»

عملگرایان و کانال دیپلماتیک

در کنار این جریان، طیف سوم یعنی «عملگرایان» قرار دارند. این گروه که عمدتاً به میراث سیاست خارجی اوپاما نزدیکند، معتقدند ایران را نمی‌توان حذف کرد و باید آن را



او حداقل هفته‌ای یک بار با زهران ممدانی، دستیار سابقش که با یک پرویز بزرگ شوردار شهرنویورک شد، صحبت می‌کند. الکساندرا یکی دیگر از شاگردان اوست، در حال بررسی نامزدی برای کاخ سفید می‌تلاش برای تصاحب کرسی سنای چاک شومر، رهبر دموکرات‌ها، در سال ۲۰۲۸ است.

به نوشته این روزنامه آمریکایی، سنדרز ۸۴ ساله گفته است دوباره برای ریاست جمهوری نامزد نمی‌شود. اما در حالی که دموکرات‌ها برای تدوین یک استراتژی منسجم جهت کسب مجدد اکثریت هستند، او در عرصه سیاست مستعد، قدرتمند برای گسترش سیاست‌های ترقی‌خواهانه و حمایت از نامزدهای هدفکر خود، که بسیاری از آنها جوان و تازه وارد درباره جنگ علیه ایران ساخته است.

قطعنامه سناتور سندرز برای جلوگیری از فروش سلاح به اسرائیل، علی‌رغم اینکه به تصویب نرسید، ۴۰ رأی در مجلس سنا کسب کرد. این اتفاق بسیار کم سابقه و نشان دهنده تغییرات جدی در نگاه به اسرائیل در افکار عمومی و هیأت حاکمه آمریکا است. تمام سناتورهای جمهوریخواه به علاوه ۷ سناتور دموکرات؛ چاک شومر، کریستن کوزنر، کاترین کورنر-ماستو، کریس گراثرگنداری قابل توجهی دارند، اما در ساختار امنیت ملی، سنا، پانگون و اندیشکده‌های اصلی هنوز جریان مسلط نیستند.

نکته مهم در تحولات سیاسی ایالات متحده، تحول افکار عمومی درون حزب دموکرات است. واشنگتن پیستی می‌نویسد در دهه‌های گذشته، حمایت از اسرائیل تقریباً اجاعی دوحزبی بود، اما جنگ غزه و درگیری با ایران این اجماع را متزلزل کرده است. نظرسنجی‌ها و تحلیل‌های رسانه‌ای نشان می‌دهد نسل جوان دموکرات‌ها نسبت به سیاست سنتی آمریکا در خاورمیانه بسیار انتقادی‌تر شده‌اند.

جنگ ایران، دموکرات‌ها را تحت فشار قرار داده است تا هویت ضدجنگ خود را بازیابند و از فرصت ایجاد شده برای تغییر سیاست خارجی آمریکا استفاده کنند. در سنی مخالفت تقریباً یکپارچه دموکرات‌ها با آنچه آنها «جنگ انتخابی» رئیس جمهوری می‌نامند، تنش‌هایی در مورد توافق نامزد آمریکا با جهان، بویژه خاورمیانه، در جریان است. از زمان شکست در سال ۲۰۲۴ برابر ترامپ (کسی که

وعدۀ عدم شروع جنگ‌های جدید را داده بود)، چهره‌های برجسته جریان ترقی‌خواه از دموکرات‌ها خواسته‌اند که هویت «ضد جنگ» خود را بازپس گیرند.

کار دین در تحلیلی می‌نویسد: «رای دهندگان، بویژه جوانان و خانواده‌های کارگر همگی از «جنگ‌های بی‌پایان» خسته شده‌اند. اکنون که ترامپ فصل جدیدی از جنگ‌های تحت رهبری آمریکا را در خاورمیانه گشوده است، این صداها بلندتر از قبل شده‌اند و این افراد فرصتی نادر برای تغییر سیاست خارجی آمریکا حس می‌کنند.»

دموکرات‌های کنگره تحت فشار هستند تا از ابزارهای محدودی که در اختیار دارند برای مهار رفتارهای ترامپ استفاده کنند. در آوریل ده‌ها نفر از آنها خواستار برکناری ترامپ شدند. مادلین دین، نماینده ایالت پنسیلوانیا که نقش اصلی را در دومین استیضاح ترامپ داشت، اولویت دموکرات‌ها را در تعیین گزینه‌های انتخاباتی می‌انگارد. او می‌گوید: «ما باید برای انتخاب کردن ترامپ به تنهایی به جنگ بپردازیم.»

نظرسنجی‌های افکار عمومی نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها به طور گسترده با جنگ علیه ایران مخالفند. نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو نشان داد که نزدیک به دو سوم آمریکایی‌ها به توانایی ترامپ در تصمیم‌گیری خوب در مورد ایران اعتماد ندارند و نگرانی عمیقی از افزایش قیمت بنزین ابراز کرده‌اند. همچنین برای دموکرات‌ها، جنگ علیه ایران سؤالات بیشتری را در مورد رابطه با اسرائیل ایجاد کرده است چرا که محبوبیت اسرائیل در میان آمریکایی‌ها، بویژه جوانان، بشدت کاهش یافته است.

در همین حال، جنبش ترقی‌خواه «موون» (MoveOn) کمیته‌ای به نام «جنگ‌طلبان را متوقف کنید» راه‌اندازی کرده است که به گفته آن، نامزدهایی را هدف قرار می‌دهد که روابط مالی با پیمانکاران دفاعی و کمیته‌های طرفدار اسرائیل دارند. با افزایش رقابت‌های درون حزبی برای انتخابات ۲۰۲۸، نامزد‌های دموکرات باید با جهانی روبه‌رو شوند که به شدت توسط دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ تغییر کرده است. توماس رایت، محقق ارشد مؤسسه بروکینگز و مقام سابق شورای امنیت ملی، گفت که ترامپ تمایل خود را برای اعمال قدرت نظامی در خارج از کشور، به راه انداختن جنگ تجاری جهانی، کنار گذاشتن متحدان دیرینه و ایجاد روابط جدید با مردان قدرتمند نشان داده و بسیاری از آمریکایی‌ها، بویژه حامیان رئیس‌جمهوری که به وعده او برای عدم شروع جنگ‌های جدید اعتقاد داشتند، سرگردان و سرخورده شده‌اند.

بدون روتوش

محمد محسن فایضی

کارشناس مسائل فلسطین

پهپادهای حزب الله

غافلگیری ساده، اما راهبردی

پس از تغییر معادلات جنگ لبنان بواسطه پیوند آن با آتش‌بس میان ایران-آمریکا، دو سوی این جنگ یعنی حزب‌الله و رژیم صهیونیستی شیوه و مواجهه جنگ را تغییر دادند. اسرائیل با متمرکز شدن بر نبرد زمینی در جنوب لبنان، بر تغییر بافت روستاها و تلاش برای ایصال یک منطقه حائل متمرکز شد که بحث حول میزان موفقیت یا خطرات آن مجال دیگری می‌طلبد. اما مقاومت لبنان با روتمایی از یک غافلگیری براساس دوران جدید، معادلات را با یک ابتکار در دست گرفت. حزب‌الله با متمرکز شدن بر پهپادهای انتحاری و پیوست رسانه‌ای بر حملات پهپادی تا حدودی چه در میدان و چه در افکار عمومی فضا را کاملاً برگرداند.

حزب‌الله با انجام حملات پهپادی انتحاری که با فیرنوری هدایت می‌شوند و رهگیری آنها را غیرممکن می‌کند، توانسته ضربات جدی در میدان به صهیونیست‌ها بزند و حتی اقدامات اسرائیل برای تخریب و تغییر بافت جنوب لبنان را با اختلال روبه‌رو کند.

در منابع عبری فاش شده است که افزایش تهدید پهپادهای حزب‌الله دستگاه‌های امنیتی اسرائیل را بنسبت نگران کرده است و گزارش‌ها حاکی از تقویت ذخایر حزب‌الله با وجود محدودیت‌های ارسال تسلیحات است. براساس برآوردهای ارتش اسرائیل، حزب‌الله هزاران پهپاد بمب‌گذاری شده در اختیار دارد، از جمله ساده‌ترین و ارزان‌ترین مدل‌هایی که می‌توان با چند صد دلار از اینترنت خریداری کرد. حزب‌الله با توجه به واقعیت‌های میدانی، با ابتکار روی روشی دست گذاشته است که تهیه آنها بسیار ساده، ارزان و پرتعداد در سراسر لبنان ممکن است؛ با اینکه تمرکز اسرائیل روی توان رزمی و موشکی آنها بود. جالب است که رادیو ارتش اسرائیل در گزارش فاشی کرد ارتش اسرائیل پس از جنگ ۶۶ روزه لبنان در دوران طوفان الاقصی (پیش از آتش‌بس سال ۲۰۲۴) متوجه شد که حزب‌الله روی توسعه پهپادهای انفجاری تمرکز کرده است. لذا در همین راستا در ژوئن ۲۰۲۵ (حدود یک سال پیش) حمله‌ای موجهی از حملات در سراسر لبنان رخ داد که ارتش اسرائیل چندین کارگاه تولید پهپاد و کوادکوپترهای مسلح را هدف قرار داد.

همچنین سایت عبری والا فاش کرد در موج حمله اولی که حماس از ۷ اکتبر انجام داد و از طریق پهپادها وسایل نظارتی گردان‌های ارتش اسرائیل را با هدف «کوری اطلاعاتی»، هدف قرار داد؛ از پهپادهای «فیبر نوری» مشابه آنچه حزب‌الله اکنون استفاده می‌کند، استفاده شده بود.

اقدامات حماس و حزب‌الله در سال‌های اخیر در مقابله با اشغالگران و مقاومت جلوی یکی از پیشرفته‌ترین و بزرگ‌ترین ارتش‌های جهان نشانی می‌دهد که می‌توان با ابتکارهای ساده، دشمن را در بن‌بست راهبردی قرار داد. غافلگیری کوفنی حزب‌الله با پهپادهای انتحاری اسرائیل را در یک بن‌بست میدانی قرار داده و راه‌حلی برای توقف آنها ندارد. این تکنیک پهپادها به سادگی امکان اصابت و اختلال در زندگی شهروک‌های شمالی را دارد. این تغییر راهبرد ساده حزب‌الله از تمرکز بر آسیب زدن فرسایشی به جای کنترل زمین (جنوب لبنان) صهیونیست‌ها را با چالش روبه‌رو کرده و سناریوی آنها برای اشغال نوبت را با هزینه و بهام روبه‌رو کرده است.

خبر



تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا علیه شهرک‌نشینان اسرائیلی

وزرای خارجه اتحادیه اروپا روز دوشنبه بر سر اعمال تحریم‌های جدید علیه شهرک‌نشینان اسرائیلی به دلیل خشونت علیه فلسطینی‌ها توافق کردند؛ اقدامی که تنها پس از تغییر دولت مجارستان و پایان ماه‌ها مخالفت ممکن شد. ژان نوتل - بارو، وزیر خارجه فرانسه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: انجام شد. اتحادیه اروپا امروز سازمان‌های اصلی صهیونیستی که در حمایت از شهرک‌سازی افراطی و خشونت‌آمیز در کرانه باختری نقش دارند، را به همراه رهبران آن‌ها تحریم می‌کند.

به نوشته فرانس ۲۴، وزیر خارجه فرانسه افزود: این اقدامات بسیار جدی و غیرقابل‌تحمل باید بدون تأخیر متوقف شوند. اسرائیل در واکنش مدعی شده که تحریم‌های برنامه‌ریزی شده اتحادیه اروپا «خودسرانه و سیاسی» بوده است. این اقدام که در پاسخ به افزایش خشونت‌ها و گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری اشغالی انجام شده، پیش‌تر به دلیل مخالفت «ویکتور اوربان» نخست‌وزیر پیشین مجارستان و از متحدان کرانه باختری نقش دارند، را به همراه رهبران آن‌ها تحریم می‌کند. در واکنش به افزایش خشونت‌ها و گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری اشغالی انجام شده، پیش‌تر به دلیل مخالفت «ویکتور اوربان» نخست‌وزیر پیشین مجارستان و از متحدان کرانه باختری نقش دارند، را به همراه رهبران آن‌ها تحریم می‌کند. در واکنش به افزایش خشونت‌ها و گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری اشغالی انجام شده، پیش‌تر به دلیل مخالفت «ویکتور اوربان» نخست‌وزیر پیشین مجارستان و از متحدان کرانه باختری نقش دارند، را به همراه رهبران آن‌ها تحریم می‌کند.